

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۶۱

جمعه ۸ فروردین ۱۳۹۹، ۲۷ مارس ۲۰۲۰

شهلا دانشفر

آزاد نکردن زندانیان یک جنایت است



از همان روز آغاز بحران کرونا یک دغدغه مهم خانواده های زندانیان و همه مردم خطر گسترش دامنه این بیماری خطرناک به زندانها بوده است. جانینان اسلامی که با نگهداشتن مردم در بیخبری از ابعاد گسترش بیماری خطرناک کرونا و اشاعه اخبار دروغ، با ادامه پروازها به چین در همان کوران شیوع این بیماری در آن کشور و با عدم در دستور گذاشتن هرگونه اقدامات پیشگیرانه، خود عامل شیوع کرونا در ایران و تبدیل آن به فاجعه انسانی هستند، امروز با باز نکردن در زندانها و ادامه بازداشت زندانیان دارند فاجعه انسانی دیگری را رقم میزنند. حاکمین اسلامی کرونا را هم مثل یک برگه بازی بدست گرفتند تا با آن فضای جامعه ای را که برای به زیر کشیدن

کل بساط جهانی جمهوری اسلامی به پا خاسته بود، به حاشیه برند. در این مسیر از منابرشان فتاوای مذهبی دادند. در خطبه هایشان بحران کرونا را به اجنه و توطئه دشمن نسبت دادند، مردم را برای شفا جویی به تربت امامانشان و شفاعتی از آنان ارجاع دادند، ضمن اینکه با ایده "ایمنی جمعی" و دچار شدن ۷۰ درصدی مردم که بنا بر گزارشات متخصصان مرگ و میر بیش از دو میلیون نفر را در پی خواهد داشت، مردم را بدون هرگونه تأمین در کام بیماری هولناک کرونا رها کرده اند. اینان امرشان نه نجات جان مردم بلکه استفاده از این فرصت برای از سر گذاردن بحران حکومتی شان در برابر مردم است. از همین رو ستادهای پیشگیری شان، نه ستادهای پیشگیری از کرونا بلکه بطور واقعی قشونی از سپاه و اطلاعات و دم و دستگاه سرکوبشان است که تحت عناوینی چون ضد عفونی محلات و مقررات قرنطینه آنها را به خیابان کشاندند که فضا را امنیتی کنند. اما مردم با ستادهای خودیاری شان و با کارزارهایشان در مقابل

ادامه در صفحه ۲

فاجعه کرونا، ناتوانی سرمایه داری و چشم انداز سوسیالیسم

مرگ هزاران نفر بدلیل بیماری ناشی از کرونا در ماههای اخیر که تازه شروع یک تاریخ سیاه و مرگبار در سطح جهان است، عمق نظام گندیده و جنایتکارانه و نامستول سرمایه داری و اوج ناتوانی و

تناقض عمیق آن با زندگی نوع بشر را بیش از پیش آشکار کرد. بنیاد این نظام بر اساس سودآوری سرمایه شکل گرفته است نه بر اساس پاسخ به نیازهای بشر و دلیل فاجعه کرونا چیزی جز این نیست. این وضعیت سوالات فلسفی، سیاسی و اقتصادی مهمی را بالای سر این سیستم قرار داده است.

صفحه ۳

سرنوشت مشترک دو وپروس

صفحه ۴

حسن صالحی

کرونا و گفتمان حق معیشت و حقوق شهروندی

صفحه ۵

کاظم نیکخواه

مهمترین رویدادهای سیاسی در عراق

صفحه ۶

نسان نودینیان

پیرامون بودجه نهادهای مذهبی جمهوری اسلامی

صفحه ۷

محمد شکوهی

نقدی حساب کنید!

صفحه ۸

مراد مکوندی

اطلاعیه های حزب

شیوع کرونا و جان زندانیان سیاسی

صفحه ۱۰

برای آزادی فوری و بدون قید و شرط

زندانیان سیاسی

صفحه ۱۰

جمهوری اسلامی مانع فعالیت پزشکان بدون مرز شد

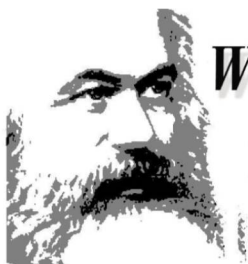
صفحه ۱۱

سیل در ۱۵ استان: بلای اصلی جمهوری اسلامی است!

صفحه ۱۱

اعتراضات در زندانها گسترش می یابد

صفحه ۱۱



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

آزاد نکردن زندانیان یک جنایت است

جانینان اسلامی ایستاده و از زندگی و جان خود دفاع میکنند. مقاومت جمهوری اسلامی در برابر تعطیلی محیط های کار و آزادی زندانیان نیز در همین راستا قرار دارد و بطور واقعی یک جنایت آشکار است. و مبارزه برای تعطیلی محیط های کار با پرداخت حقوق و کارزار برای نجات جان زندانیان و آزادی تمامی زندانیان دو عرصه مهم جدال مردم با این حکومت است. به کارزارهای مبارزاتی برای نجات جان زندانیان در بیرون از زندان و در زندانها، در سطح جامعه و در سطح بین المللی میپردازم.

در زندانها به روی ویروس کرونا باز است

واقعیت اینست که زندانیان هیچ اختیاری در مورد زندگی و حفظ امنیت جانی خود ندارند و با خطر کشیده شدن دامنه کرونا به زندانها فاجعه انسانی بزرگ دیگری دارد رقم میخورد. وضع زندانها در ایران به لحاظ بهداشتی و به لحاظ تغذیه زندانیان بسیار اسفناک است. حمام ها و دستشویی های مشترک، قطعی آب و حتی محروم کردن زندانی بصورت تنبیهی از دوش گرفتن، غذای ناسالم و با کیفیت بسیار پایین شرایط بسیار مساعدی برای ابتلا به انواع بیماری هاست. در زندانهای جمهوری اسلامی تامین غذا و نیازهای زندگی جزو هزینه های خود زندانی است. زندانی باید با بودجه خودش حتی درمان و دارو را با قیمت گزافی بخرد. بدین ترتیب فشار اقتصادی، فشار مضاعفی بر فشار روحی بر

روی خانواده های زندانیان است. در زندانها سطح بهداری و امکانات درمانی بسیار نازل و بطور واقعی در حد صفر است. در این میان وضعیت زندانیان سیاسی تحت عنوان "امنیتی" و بخاطر در خفا نگهداشتن آنچه که بر آنها در زندانها میگذرد، اسفناک تر است. از جمله علت بسیاری از بیماریهای این بخش از زندانیان شکنجه ها و اذیت های جسمی و روحی است که در زندان بر زندانی وارد میشود و محرومیت از دارو و درمان نیز همواره بخشی از سیاست جانینان اسلامی برای آزار و شکنجه زندانی بوده است.

حال با شیوع کرونا رژیم اسلامی هیچ کاری برای پیشگیری از کشیده شدن دامنه آن به زندانها نکرده و هیچ نوع امکانات پیشگیرانه در اختیار زندانیان قرار نداده است. اگر چه حتی اگر اقدامی هم صورت میگرفت، وقتی که زندانها با چنین سطحی از تراکم زندانی روبرویند باز راه ورود کرونا به زندان ها باز خواهد بود. از جمله اصغر جهانگیر رئیس سازمان زندانها در سال گذشته اعلام کرد که ظرفیت زندانها، ۸۵ هزار نفر است اما بطور واقعی در این زندانها ۲/۵ برابر ظرفیتش زندانی بسر میبرند. بعلاوه خود آمد و رفت کارکنان زندان یک مسیر ورود این ویروس به درون زندانهاست. تراکم جمعیت درون زندانها و تاریکی و تنگی سلولها، در کنار وضعیت بسیار اسفناک بهداشتی، زمینه ابتلای زندانیان به کرونا و در پیش بودن فاجعه انسانی بزرگی در زندانهاست.

تا همین امروز خبرهای بشدت نگران کننده ای از سرایت ویروس کرونا به زندانها

در سراسر کشور منتشر شده است و تا کنونی زندانیانی در زندان بزرگ تهران، اهواز، دستگرد اصفهان و رجایی شهر به آن مبتلا شده اند و در چند زندان قرچک و تهران قربانی گرفته است. مسئولیت این کشتارها و عواقب مرگبار تر انتشار ویروس کرونا در سطح جامعه و در زندانها بر عهده جانینان اسلامی است.

کارزارهایی گسترده برای نجات جان زندانی

وضعیت زندانها فاجعه بار است، در برابر آن جامعه ایستاده و هم اکنون کارزارهای متعدد و وسیعی با گفتمان آزادی تمامی زندانیان در جریان است. خانواده های زندانیان، فعالین کارگری و اکتیویست های اجتماعی در عرصه های مختلف مبارزاتی در سطح جامعه، نهادها و تشکلهای مختلف کارگری، گروههای مختلف مبارزاتی مرکب از کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، هنرمندان، و فعالین اجتماعی مختلف همه و همه نیروی فعال این جنبش هستند. در ردیف اول این صف اسامی چهره های سرشناس کارگری و جنبش های اجتماعی همچون محمود صالحی و جوانمیر مرادی و آرش صادقی و سهیل عربی را می بینیم که بیانیه داده و بر خواست آزادی تمامی زندانیان تا رفع بحران تاکید میکنند. از درون زندانی فعالین سیاسی ای چون جعفر عظیم زاده، سهیل عربی، آرش صادقی و لیستی از زندانیان دریند در اوین و تهران بزرگ و سنندج و غیره با بیانیه های خود خبر از ابعاد بزرگ فاجعه کرونا در زندان را داده و بر آزادی زندانیان و تعطیلی فوری سازمان زندانها تاکید

کرده اند. در این لیست کمپین "نجات جان زندانیان" را داریم با امضاهایی از خانواده های زندانیان همچون خانواده آتنا دائمی، فعالین اجتماعی و انسانهای نگران از حال زندانیان که خطاب به نهادهای بین المللی همچون سازمان جهانی بهداشت و سازمان عفو بین الملل و غیره بر تعطیلی کلیه زندانهای کشور تاکید کرده است. در کنار این خواست تاکید شده است که باید همه زندانیان بدون درنگ و در اولین اقدام، تحت آزمایشات دقیق و برابر استاندارد جهانی برای تشخیص ویروس کرونا قرار گیرند.

در این لیست طومارهای اعتراضی بسیاری را داریم که فعالین عرصه های مختلف اعتراضات اجتماعی با اسم و رسم خود پای آنها امضاء گذاشته و ضمن اعلام خواست آزادی تمامی زندانیان بر مسئولیت دولت در قبال جان و معیشت مردم تاکید گذاشته اند. همچنین در این کارزار بیانیه ها و تجمعاتی از طرف خانواده های زندانیان در شهرهایی چون تهران، ارومیه، اصفهان، مشهد را شاهدیم که در آنها بر آزادی فوری عزیزانشان تاکید کرده اند.

بعلاوه اعتراضات در درون زندانها گسترده است. آخرین خبرها از اعتراض زندانیان در تبریز گزارش میدهند. همچنین از دیگر نمونه های اخیر آن اعتصاب در زندان تهران بزرگ، ۱۲۸ زندانی در در بندهای ۱، ۲، ۳، ۴ سالن چهار قرنطینه زندان اوین، ۴۵ نفر از زندانیان سیاسی در زندان تهران بزرگ و سه زندانی سیاسی در بند ۴ در سالن چهار قرنطینه اوین است که اعتراض زندانیان بصورت نگرفتن غذای زندان و با خواست مرخصی فوری آنان

از زندان بوده است. اعتراض این زندانیان به وضع بد غذا و عدم انجام پیشگیری لازم از شیوع بیماری کرونا در زندان و در سطح جامعه است. قبل از این نیز در زندانهای ارومیه و سنندج زندانیان دست به اعتراض زدند.

نکنه قابل توجه اینست که امروز ما با شورش در زندانها روبرویم. زندانی در برابر خطر مرگ ریسک فرار از زندان را به جان خریده و از زندان میگریزد. دو نمونه آن یکی فرار زندانیان در پارسیلون خرم آباد در دوم فروردین و دیگری در زندان الیگودرز در روز بعد از آن بود. بنا بر خبر ها در جریان شورش در زندان خرم آباد طبق یک خبر ۱۳۰ نفر و طبق خبری دولتی ۲۵ نفر موفق به فرار شدند. در زندان الیگودرز نیز اقدام زندانیان به فرار با پیشگیری سرکوبگران حکومت روبرو شد.

در خارج کشور نیز ستاد مقابله با بحران کرونا در ایران در صف جلوی این حرکت قرار گرفته و فعالین بسیاری از داخل و خارج و شبکه هایی از پرستاران و دکتران در ایران فعالند و یک عرصه مهم کار این ستاد مبارزه برای آزادی زندانیان است. بعلاوه سه نهاد کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمپین برای آزادی کارگران زندانی و کمیته بین المللی علیه اعدام از همان آغاز شیوع کرونا طی بیانیه مشترکی تلاش کردند توجه جامعه و جهانیان را به بحران کرونا در زندانها در ایران جلب کنند و برای آزادی فوری زندانیان تلاش کنند. ترجمه انگلیسی نامه اتحادیه آزاد خطاب به عفو بین الملل و کمپین نجات جان زندانیان و ارسال آنها به

فاجعه کرونا، ناتوانی سرمایه داری و چشم انداز سوسیالیسم

مرگ هزاران نفر بدلیل بیماری ناشی از کرونا در ماههای اخیر که تازه شروع یک تاریخ سیاه و مرگبار در سطح جهان است، عمق نظام گندیده و جنایتکارانه و نامسئول سرمایه داری و اوج ناتوانی و تناقض عمیق آن با زندگی نوع بشر را بیش از پیش آشکار کرد. بنیاد این نظام بر اساس سودآوری سرمایه شکل گرفته است نه بر اساس پاسخ به نیازهای بشر و دلیل فاجعه کرونا چیزی جز این نیست. این وضعیت سوالات فلسفی، سیاسی و اقتصادی مهمی را بالای سر این سیستم قرار داده است.

بهداشت و درمان که یک نیاز ابتدایی و پایه ای کل تاریخ بشر است را بدست بازار بیرحم سرمایه سپرده اند و آنرا بجای رفع نیازهای مردم به یک تجارت سودآور برای اقلیت حاکم تبدیل کرده اند. در حالیکه زرادخانه های اتمی و سلاح های کشتار جمعی برای چندبار نابودی کره زمین کفایت میدهد، اکثریت مردم جهان از یک امکان ساده درمانی محروم نگهداشته شده اند. حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری در دهه های گذشته تحت عنوان ریاضت کشی اقتصادی هرچه توانستند بودجه بیمارستان ها و سیستم پزشکی را کاهش دادند، پزشکان و پرستاران را بیکار کردند و کیفیت بیمارستانها را بشدت پایین

آوردند و در مقابل بر هزینه های نظامی افزودند و به بهانه بحران، صدها میلیارد دلار به بانک ها و صاحبان سرمایه که عامل بحران و فشار اقتصادی به اکثریت مردم بودند تقدیم کردند. نهادهایی از خود طبقات حاکمه در کشورهای غربی از سالها قبل پیش بینی کرده بودند و هشدار داده بودند که جامعه در مقابل بیماریهای واگیردار ناتوان است و باید فکری به حال این مساله بکند. اما در عوض بودجه بیمارستان ها و مراکز تحقیقات پزشکی کاهش داده شد. بشر توانایی پیش بینی این نوع بیماری ها را دارد و میتواند واکنس و داروهای لازم را تولید کند اما سرمایه ها طبق منطق کور سرمایه داری در عرصه هایی که سود بیشتری برای صاحبانش دارد بکار گرفته میشود و وضعیت این میشود که میبینیم. در سه دهه گذشته همان تعهد نیم بند این نظام در قبال شهروندان نیز هرچه بیشتر کنار زده شد و همه چیز به بازار آزاد سپرده شد. طبق گزارش سازمان یونسف روزانه ۱۵ هزار و سالانه بیش از پنج و نیم میلیون کودک زیر پنج سال جانشان را از دست میدهند و پیش بینی میکنند که ۵۶ میلیون کودک ممکن است تا سال ۲۰۳۰ به دلیل بیماریهای ناشی از سوءتغذیه و یا گرسنگی جان خود را از دست بدهند. همین یک قلم عمق گنبدگی این نظام، بی مسئولیتی آن و بیرحمی آنرا در زمینه پیشگیری از امراض و درمان مردم بطور عریان نشان میدهد.

اما بشر نه محکوم است که

به این شرایط تن بدهد و نه تن خواهد داد. برخی از دوراندیشان طبقه حاکم سالها است هشدار میدهند که این وضع و این درجه شکاف طبقاتی دوام نیاورد و بر ضرورت اصلاحاتی تاکید میکنند. اما مفتخوران حاکم حتی در دل بحران کرونا که دارد از مردم قربانی میگردد نیز مشغول ثروت اندوزی بیشتر و احتکار و کلاه گذاشتن سر مردم هستند. دلسوزان طبقه حاکم هشدار میدهند که مردم این وضع را تحمل نمیکند و دست به شورش میزنند. اما این سیستم دیگر توان اصلاحات و کاهش شکاف طبقاتی را هم ندارد. این وضعیت، تناقضات بنیادی این نظام با زندگی مردم و ناتوانی آن در مقابل یک بیماری قابل پیش بینی سوالات پایه ای درمورد این سیستم در اذهان مردم جهان شکل داده است. سوالاتی نظیر چرا حتی پیشرفته ترین جوامع نیز آمادگی مقابله با یک ویروس مسری را ندارند؟ چرا بیمارستان و دکتر و پرستار و تجهیزات کافی ندارند؟ چرا فکری به حال چنین شرایطی که قابل پیش بینی بود نکرده اند؟ چرا یک درصد آنچه صرف تجهیزات جنگی و جنگ ها و ارتش ها شده است صرف سیستم درمان نمیشود؟ چرا مدام بودجه خدمات اجتماعی و پزشکی و درمانی کاهش می یابد و تخفیفهای مالیاتی میلیاردی سرمایه دار افزایش پیدا میکند؟ چرا ۸۲ درصد ثروت جهان در اختیار یک درصد از جمعیت کره زمین قرار گرفته است؟ چرا ۹۹ درصد مردم در تصمیم

گیری ها نقشی ندارند و یک درصدی های حاکم نظامی این چنین ناتوان و ضد انسانی ساخته اند؟ اینها و دهها سوال مهم دیگر این روزها در افکار عمومی مردم جهان چرخ میزند.

بحران کرونا بحران اقتصادی- سیاسی- اجتماعی شدید و گسترده ای را بدنال خواهد داشت که ارکان نظام سرمایه داری و حاکمیت یک درصدیهای مالی میلیاردر بر زندگی و مقدرات نود و نه درصد مردم کره ارض را به لرزه خواهد انداخت.

در ایران اما بحث از ناتوانی حکومت فراتر است. جمهوری اسلامی یکی از وحشی ترین، فاسدترین و عقب مانده ترین حکومت های سرمایه داری است که بجای مقابله با شیوع کرونا خود عامل اصلی شیوع آن در کشور است. بجای پیشگیری از ابتلای مردم به کرونا و مداوای مردم، دعا کردن و توسل به امامان را تبلیغ میکند، تئوری توطئه دشمنان و اجنه را تبلیغ میکند و نیروهای سرکوبش را در مقابل مردمی که هر لحظه برای پایان دادن به این حکومت لحظه شماری میکنند و سرمایه داری را با تمام ارکانش از جمله مذهب زیر سوال برده اند، جولان میدهد تا مانع گسترش همیاری توده ای مردم بشود.

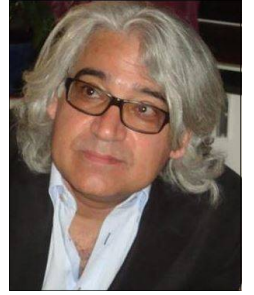
بشریت اما نه تنها در مقابله با بیماریهای مسری و مهلک بلکه در برابر کل نظام سرمایه داری راه حل دارد و این راه حل امروز بیش از هر زمان مبرمیت پیدا کرده است. این نظام طبقاتی است

و چرخهای آن تماما بر اساس منفعت یک درصدیهای سرمایه دار میچرخد و به همین دلیل باید زیر و رو شود. جامعه باید بر اساس پاسخگویی به نیاز همه شهروندان سازمان بیابد. وسایل تولید باید به مالکیت اشتراکی کل جامعه و در خدمت رفاه مردم قرار گیرد و همه مردم در تصمیمگیری ها و تعیین شرایط زندگی و مقدرات خویش مستقیماً نقش داشته باشند. و این یعنی کمونیسم. جامعه بشری از نظر تکنولوژی و بارآوری تولید به چنان درجه رشدی رسیده که میتواند کل هفت میلیارد جمعیت دنیا را مرفه و خوشبخت کند و به تمام نیازهای اقتصادی و اجتماعی شان پاسخ بدهد. میتواند سیستم درمان و بهداشت با کیفیت عالی و رایگان برای تمام بشر را ایجاد کند. جلو شیوع امراض مسری را بگیرد و امکانات لازم برای درمان بیماران را تامین کند، مانع مرگ و میر مردم بدلیل بیماری های قابل علاج بشود و خود را در مقابل امراض و ویروس های ناشناخته آماده و مجهز کند، میتواند به فقر و سوء تغذیه و بیخانمانی پایان دهد و شرایطی انسانی برای همه مردمی که در کره زمین زندگی میکنند ایجاد کند. راه حل پایان دادن به جامعه طبقاتی و بزی کشیدن این سیستم وارونه است. راه حلی که در دل بحران کرونا نیز جای خود را در میان توده های وسیع مردم دارد باز میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ فروردین ۱۳۹۹، ۲۷
مارس ۲۰۲۰

"مبنای انقلاب کارگری بشریت است، مبنای آزادی کارگر بشریت است، و مبنای مارکسیسم آزادی بشریت است. منصور حکمت"

سر نوشت مشترک دو ویروس



یکی از پیامدهای شیوع کرونا رودررویی آشکار میان علم و دین بوده است. دین اینجا هم علنا به رقابت با علم برخاست تا میدان مبارزه با کرونا در انحصار علم قرار نگیرد و دین به حاشیه رانده نشود. اما تا همینجا این تقابل بطور قطع به سست شدن پایه های دستگاه دین و باورهای خرافی انجامیده است. مبارزه با کرونا جامعه بشری را در جهتی به حرکت درآورد که هرچه بیشتر پندارهای دینی و خرافی را از خود بزدايد؛ پندارهایی که به منافع زمینی ویژه ای خدمت می کنند. بر خلاف گذشته های دور که شیوع یک بیماری مسری باعث می شد که انسانها به علت فقر و ناآگاهی و عقب ماندگی و تعصب به ورد و جادو روی بیاورند اکنون به یمن دستاوردهای علمی و خودآگاهی عمومی از دین و خرافه بیشتر فاصله میگیرند. چرخه رایج ترس، استیصال و خود فریبی در قدیم اینبار جای خود را به تلاش برای تضمین سلامتی شهروندان در مقابل تهدید ویروسها داده است. چشمان مردم با هوشیاری به دنیایی دوخته شده است که به دور از دروغ مذهب و سودپرستی، سلامت و رفاه و آسایش انسانها را بنیاد خود قرار داده است. با شیوع بیماری کرونا صنعت مذهب نیز فعال شد و

نسخه های خود را برای علاج این بیماری مهلک پیچید و در مقابل جامعه قرار داد: باید به ورد و دعا و جادو و جنبل متوسل شوید! تقلاهای دستگاه مذهب در ارتباط با کرونا به انحای مختلف در ایران و جهان بروز کرد. از کشیشان اوتوکس رومانیایی در شهر کلوز که برای "مقابله با کرونا" با استفاده از یک قاشق مشترک "نان مقدس" را در دهان مردم گذاشتند گرفته تا کشیشی که در ایالت لوئیزیانای آمریکا بعد از دستور قرنطینه عده ای را در کلیسا جمع کرد تا دعا بخوانند و شیادان طب اسلامی در ایران که مالیدن روغن بنفشه به مقعد را تجویز کردند نمونه ها کم نیستند. البته این پاسخ ها مایه ریشخند و گاه باعث خشم و نفرت مردم شد تا شفای مصیبت دیده ای. اما به سمت خرافات و تلقیبات مذهبی نظیر "آزمایش الهی" و یا "عذاب الهی" نرفت بلکه دست به دامن علم و تحقیق شد و راه خلاص شدن از شر این ویروس کشنده را در آنجا جست. در دوره بیماری مهلک کرونا علیرغم تلاشها و تقلاها و دعاها و وردهای نمایندگان خدا بر روی زمین، طبعاً هیچ "خدایی" به یاری بشر کرونزده نیامد. در عوض در برابر چشم مردم حتی خانه خدا نیز بسته شد و طواف کعبه هم در هراس از کرونا تعطیل گردید. مراسم دعا و نیایش پاپ نیز تک نفره انجام شد و او از پنجره محل اقامت اش رو به میدان خالی سنت پیتر برای جمعیتی که حضور نداشت دست تکان داد!

ادامه در صفحه ۹

به آقای جوزپ بورل مسئول سیاسی خارجی اتحادیه اروپا! از ستاد مقابله با کرونا در ایران



آقای بورل گرامی!

اخیرا اتحادیه اروپا اعلام کرد که برای کمک رسانی به مردم ایران که این روزها با بحران بسیار شدید کرونا دست و پنجه نرم میکنند، کمکی معادل ۲۰ میلیون یورو ارسال میکند. شما در گفتگویی با

بهبود اوضاع حرف میزند در حالیکه مردم روزانه کشته میشوند و هیچ کمکی در هیچ زمینه ای از حکومتیها نمیگیرند. و بالاخره مهمترین نکته ای که میخواهیم به شما بگوییم اینست که کمکهای ارسالی از خارج کشور به دست مردم نمیرسد، باید برایتان جالب باشد که کمکهای سازمان بهداشت جهانی و نهادهای بین المللی دیگر، بطور مثال ماسک و وسایل حفاظتی / بهداشتی، به مردم و یا بیمارستانها فروخته میشود. و اگر این کمکها پول نقد باشد، حکومت آن پولها را حتی امروز روانه لبنان و سوریه کرده و به دست سازمانهای تروریست اسلامی میرساند. پس ما اعضای ستاد مقابله با

کنیم شما با خود این نهادها تماس گرفته و کمکها مستقیم به آنها برسانید. در غیر اینصورت مطمئن باشید کمکی به دست مردم نمیرسد و مقابله جدی با بحران کرونا در ایران انجام نمیشود. ما در عین حال از شما میخواهیم با سازمان بهداشت جهانی و نهادهای ذیربط تماس گرفته و خواهان دخالت و نظارت مستقیم تر این نهادها در امرمقابله با کرونا در ایران بشوید. به همراه این نامه امضا ۲۱۰۰ نفر از ایرانیان را که خواهان نظارت دقیقتر نهادهای بین المللی در امر مقابله با کرونا هستند، برایتان ارسال میکنیم. اعضای ستاد ما که شامل ۳۷



خبرنگاران در بروکسل به درست اعلام کردید که محموله های غذایی و دارو و تجهیزات پزشکی نباید تحت تاثیر تحریم ها باشد. یک نکته را نباید فراموش کنید، مشکل مردم ایران در مقابله با کرونا امروز در وهله اول خود حکومت اسلامی است. این حکومت نه تنها ورود و گسترش ویروس به ایران از چین را تا مدتها مخفی نگه داشت، بلکه امروز قرنطینه کند و همواره از

نفر از شخصیتهای سرشناس ایرانی هستند، و اسامی آنها را نیز برایتان میفرستیم، میتوانند در صورت امکان در یک کنفرانس ویدیویی با شما و یا مسئولین مربوطه در مورد نحوه کمک رسانی به مردم ایران شرکت و هم نظری کنند.

با تشکر مینا احدی از
طرف ستاد مقابله با کرونا
در ایران

کرونا و گفتمان حق معیشت و حقوق شهروندی



اگر فیلم "روحیه ۴۵" یا «The Spirit of 45» به کارگردانی کن لوچ را ندیده اید حتما نگاه کنید. این فیلم که یک فیلم مستند بسیار قوی و زیباست، فضای اجتماعی انگلستان را در دوره بعد از جنگ جهانی دوم به تصویر میکشد و نشان میدهد که در دوره پس از جنگ جنبش حق طلبی و سوسیالیستی چقدر در انگلستان همه گیر و قدرتمند شده بود و اعتراض به نابرابری طبقاتی و سیستم حاکم همه جا میجوید. در پرتو آن کلمنت اتلی رهبر لیبرال چپ حزب کارگر انگلیس توانست حتی وینستون چرچیل را که در آن روزها در کل جامعه بعنوان قهرمان جنگ جهانی معرفی شده بود و از حزب محافظه کار بود، با اکثریت بسیار کوبنده ای شکست دهد و قدرت را در دست بگیرد. در پرتو همین جنبش اجتماعی چپ و رادیکال و برابری طلبی بود که دولتهای رفاه در اروپا شکل گرفتند و در انگلستان درمان برای عموم رایگان شد، بیمه بیکاری برابر آخرین حقوق به اجرا گذاشته شد، همه شهروندان حق مسکن و معیشت پیدا کردند و صنایع اصلی مثل ترانسپورت و نفت و گاز و انرژی ملی اعلام شد و

بسیاری از دیگر حقوق شهروندی تعریف شد و به اجرا گذاشته شد. (اینکه خود این اصلاحات تلاشی بود از موضع اقتصاد کینزی برای مقابله با کمونیسم و فضای رادیکال و چپ فعلا اینجا مورد بحث نیست).

دوره امروز و بحران کرونا تفاوت‌های زیادی با دوره پس از جنگ جهانی دوم دارد. اما حداقل از یک نظر بسیار شبیه است. گفتمان تامین معیشت و حقوق شهروندی مثل دوره پس از جنگ، امروز در شروع این بحران در همه کشورها جریان دارد و سرعت دارد اجتماعی و همه گیر میشود و قطعا ابعاد بسیار وسیع تری بخود خواهد گرفت. این گفتمان امروز تنها مربوط به سوسیالیستها یا کارگران نیست. طیف وسیعی از مردم از میان لایه های مختلف جامعه درگیر همین بحث هستند. این بحث که دولت موظف است زندگی همه مردم را تامین کند و به همه افراد بدون در نظر گرفتن اینکه کاری داشته یا نداشته اند حقوق ماهیانه مکفی ای برای تامین زندگی و مسکن پرداخت کند، درمان را رایگان در اختیار همه قرار دهد و امثال اینها، یک گفتمان عمومی و بسیار گسترده است. در کنار این بحث به نحو گسترده تری امتیازات بالایی ها و ثروتمندان مورد حمله و تعرض قرار میگیرد. در رسانه ها نیز این بحث با سایه روشنهایی بازتاب گسترده ای دارد. زیر فشار همین بحثها و گفتمانها و از ترس از هم گسیختن شیرازه جامعه، دولتها در کشورهای مختلف بسته های حمایتی برای اقشار محروم تدارک دیده اند و تلاش میکنند نشان دهند که دارند به این خواست عمومی پاسخ میدهند. از

جمله حقوق و دستمزد کارگران و کارکنان و کارمندی که بیکار شده اند پرداخت میشود. در برخی کشورهای اروپایی از جمله انگلستان حتی به کسانی که کار آزاد داشته اند بر اساس درآمدها گذشته، به آنها حقوق پرداخت میشود. و اقداماتی از این قبیل.

دلیل این وضعیت و به جریان افتادن بحث و گفتمان برابری طلبی و حقوق شهروندی روشن است. اپیدمی کرونا هم مثل جنگ نفس زندگی و امنیت و معاش مردم را نشانه رفته است و کل شیرازه اجتماعی را زیر سوال برده است. میلیونها نفر امکان تامین معیشت و زندگی شان را از دست میدهند یا نگرانی وضعیت زندگی و معیشت بر کل زندگی آنها سایه افکنده است. تهدید محرومیت و بیماری مهلک همه جا را فرا گرفته است. بدون دخالت دولت و بدون بکارگیری ثروتهای عمومی در خدمت زندگی مردم، ادامه زندگی معمول برای اکثریت مردم عملا غیر ممکن میشود. این توقع و انتظار که باید ثروتهای عمومی در خدمت زندگی مردم قرار گیرد، امروز صرفا یک خواست آرمانی نیست. بلکه یک توقع و انتظار فوری و عملی است. یعنی انتظار فوری همه مردم اینست که دولت مسکن، درمان، معیشت و رفاه تک تک شهروندان را تامین و تضمین نماید. در شرایطی که کل زندگی اجتماعی به تلاطم و به خطر افتاده است، ثروتمندان و سرمایه داران حداقل در کشورهای پیشرفته سرمایه داری براحتی نمیتوانند در برابر مردم شانه بالا بیندازند و به زندگی و کسب و کار خود ادامه دهند. روشن است که کرونا یک

بیماری ترسناک و مهلک است و تا کنون جان هزاران نفر را گرفته است. باید امیدوار باشیم که این بیماری هرچه سریعتر تحت کنترل قرار گیرد و بشریت از این فضای ترس و نگرانی و انزوا که شباهت به دوره های جنگ دارد بیرون کشیده شود. اما این را هم باید توجه کرد که ترس و نگرانی کارگران و اقشار کارکن جامعه با ترس و نگرانی طبقه سرمایه دار با هم متفاوت است. بالایی ها بیشتر از کرونا از همین فضای حق طلبی و برابری طلبی و شیوع جنبش تامین معیشت و توقعات و انتظارات بالای مردم ترس و وحشت دارند. دارند چورتکه می اندازند که چگونه میتوانند در همین دوره نیز از معیشت فقیرانه کارگران بدزدند و به ثروتهای میلیاردی خود بیفزایند. بعضی هایشان حتی از فضای کرونا برای اخراج سازیه استفاده میکنند. نمونه هایی مثل پتروشیمی لردگان در خوزستان و یا کنتورسازی قزوین آخرین نمونه ها از این دست هستند که در ایران در همین روزها شاهد بودیم. مدیر پتروشیمی لردگان به صدها نفر از کارگران قراردادی پیامک میدهد و میگوید تا هفته آینده به دفتر بیایید و تسویه حساب کنید و بروید. در کنتورسازی قزوین هم به کارگران گفته اند کارخانه تعطیل است و همه شما اخراج هستید و بروید تلاش کنید بیمه بیکاری بگیرید. خامنه ای هم که همه میدانیم که گفته است در شرایط کرونا باید چندین برابر تولید کرد! در برخی کشورهای دیگر هم نمونه هایی از این دست را بسیار شاهد هستیم. در کل همه جا سرمایه داران چه در دولت چه در مدیریت کارخانجات و چه جاهای دیگر

مغزشان مثل هم کار میکند و نقطه عزیمتشان همین است. اما فضای اجتماعی و توازن قوا در کشورهای مختلف متفاوت است. بویژه در ایران تحت حاکمیت اسلامی سرمایه داران قبل از اپیدمی کرونا جنبش سرنگونی و اعتراضی و حق طلبانه بسیار فعال گسترده و شفاف بود و با وارد شدن به بحران کرونا، فضای جامعه از توقع و انتظار از حکومت بسیار فراتر رفته و خشم و نفرت و انزجار است که همه جا بیش از پیش ریشه دوانده و گسترده تر میشود. مردم نه فقط به دلیل از دست دادن کار و درآمد و معیشت خود، عصبانی هستند، بلکه حکومت را عامل شیوع کرونا میدانند و این را همه جا دارند ابراز میکنند. بعلاوه یک جنبش ضد سرمایه داری قدرتمند قبل از کرونا در جامعه جریان داشت و اکنون این جنبش با خشم عمومی از حکومت و از سرمایه داران مفتخور و حریص بیش از پیش انباشته میشود.

نکته ای که من میخواهم اینجا روی آن تاکید بگذارم اینست که با اپیدمی جهانی کرونا، امروز در همه جا این جنبش و گفتمان برابری طلبی و حق شهروندی و نفی امتیازات طبقاتی، آنچنان قدرتمند است که میتوان امیدوار بود که در پس بحران کرونا، این جنبش انسانی بسیاری از جوامع را یک گام مهم جلو بکشد.

هیچ تردیدی نباید داشت که در پس بحران کرونا جوامع به نقطه قبلی باز نمیگردند. با شروع گفتمان معیشت و برابری و حقوق شهروندی، فضا برای تعمیق این بحثها و به چالش کشیدن کل جامعه طبقاتی و سیستم سرمایه داری و بردگی مزدی بیشتر ادامه در صفحه ۹

مهمترین رویدادهای سیاسی در عراق انقلاب ادامه دارد



"عادل عبدالمهدی...، مجلس، احزاب و ایران همه باید بروند." این پیام در ۱ دسامبر ۲۰۱۹ در میدان تحریر دقایقی بعد از استعفای عادل عبدالمهدی نخست وزیر توسط جوانان معترض فریاد زده شد. امروز بعد از نزدیک به ۵ ماه هنوز صدای این پیام در شهرهای عراق و در میدانهای تحریر شنیده میشود. هم اکنون با سپری شدن بیش از ۴ ماه اعتراضات میدانهای تحریر با حضور هزاران نفر از انقلابیون در عراق همچنان ادامه دارد. بحران کرونا هنوز نتوانسته سایه سنگینش را بر مبارزات متحدانه مردم در عراق و در میدانهای تحریر پهن کند. تعداد فیزیکی شرکت کنندگان در میدانهای تحریر کمتر شده اند، انقلابیون با رعایت توصیه های سازمان بهداشت جهانی (هر چند از امکانات کم و ابتدایی بهداشتی و شوینده برخوردار هستند) شور انقلابی را حفظ کرده اند. آنها با مقاومت و ایستادگی، بحران هیئت حاکمه و مجلس قومی - مذهبی را عمیقتر کرده اند. همزمان با بحران کرونا در بغداد و چندین شهر دیگر در روز جهانی زن بزرگترین مارش زنان و مردان آزادیخواه که اساسا به ابتکار فعالین میدانهای تحریر سازماندهی شده بود برگزار شد. پیام هشت مارس ۲۰۲۰ از عراق به جهانیان

شعف انگیز بود. هزاران نفر در این روز در دفاع از برابری زن و مرد، علیه اسلام سیاسی و هیئت حاکمه قومی - مذهبی خواهان دخالت و تعیین تکلیف بر اجرای قدرت سیاسی و پاکسازی سران مرتجع شدند. به کثافتخانه مجلس قومی - مذهبی در عراق جواب محکمی دادند و اعلام کردند آنها باید بر روند و قدرت سیاسی و حاکمیت نظارت و دخالت داشته باشند. با این پیام و حضور هزاران نفر در حرکت ۸ مارس، جبهه اعتراض در میدانهای تحریر به محل اتحاد و همبستگی انقلابیون تبدیل شد.

دوماه بعد از استعفای عادل عبدالمهدی و اوج گرفتن اعتراضات توده ای در تعداد زیادی از شهرهای مرکزی و بزرگ از جمله بغداد، نصر، بصره، نجف و کربلا، ... و بالا گرفتن اختلافات جناحهای حاکم از شیعی، سنی و قومیهها، بالاخره بعد از سپری شدن بیش از یک ماه رئیس جمهور عراق محمد توفیق علاوی از تبار حزب الدعوة را برای نخست وزیری معرفی کرد. با معرفی این فرد اعتراضات وسعت بیشتری گرفت. تظاهر کنندگان در میدانهای تحریر با شعار محمد توفیق علاوی را نمیخواهیم فریاد زدند و شعار دادند.

محمد توفیق علاوی که میانسخت مورد خشم و نارضایتی توده های میلیونی قرار گرفته است گفت؛ "من بعد از سه روز معرفی ام در سمت نخست وزیر و ماموریت برای تشکیل کابینه، استعفانامه یا کناره گیری را نوشته ام." و البته ارزیابی محمد توفیق علاوی واقعبینانه بود. او مورد شدیدترین نفرت و نارضایتی های مردم معترض قرار گرفت و در ۱۲ اسفند ۱۳۹۸ از

تشکیل دولت جدید ناکام و کناره گیری کرد. محمد توفیق علاوی تحت فشار اعتراضات کوبنده مردم عراق شکست خورد، هیئت حاکمه ناتوان از تحمیل او و جانشینی برای عادل عبدالمهدی با تناقض و شکاف عمیق تری وارد بحران جدیدی شد. در این دوره او باش اسلامی از جمله مقتدا صدر با همکاری سپاه قدس به قصد در هم شکستن اعتراضات مردم حملات خونینی را به مردم در نجف و بغداد سازماندهی کردند. در نجف تعدادی از انقلابیون را به قتل رساندند. یک روز بعد از حملات دارو دسته های اسلامی در نجف و بغداد در ۶ فوریه جمعیت کثیری از مردم در چند شهر عراق بویژه در بغداد و بصره در اعتراض به جنایت مزدوران مقتدا صدر دست به تظاهرات زدند. و با حمل ده ها بنر و پلاکارد و با صدای رسا در مراکز شهرها وحشیگری جریانات اسلامی را محکوم کردند. مقتدا صدر و جریانات اسلامی عقب نشستند و میدانهای تحریر با حمایت گرم مردم و انقلابیون کانونهای گرم و پیشرو انقلاب و قدرت سیاسی را ادامه دادند.

سناریوی تازه، بن بست تازه

این روزها هیئت حاکمه در عراق کماکان معلق است. با ناکامی محمد توفیق علاوی و کناره گیری او برهم صالح رئیس جمهور عراق سه شنبه هفدهم مارس عدنان الزرفی رئیس فراکسیون پارلمانی (فراکسیون حیدر العبادی) نخست وزیر اسبق عراق) را مامور تشکیل دولت جدید کرده است.

«عدنان عبدخضیر عباس مطر الزرفی» سابقه سیاسی عضویت در حزب «الدعوه اسلامی» عراق را در کارنامه

سیاسی دارد. و دارای تابعیت دوگانه عراقی - آمریکایی است. در سال های (۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ و ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵) استاندار نجف بوده است.

فراکسیون یا ائتلاف الفتح که اکثریت شیعی پارلمان عراق را تشکیل میدهند با معرفی «عدنان الزرفی» مخالفت کرده و اعلام کرده اند که برهم صالح بدون هماهنگی و بی اعتنا به نظر فراکسیونهای اکثریت و زیر پا گذاشتن چارچوبها، الزرفی را مامور تشکیل دولت کرده است. گروه های اسلامی عراق از جمله «عصائب اهل الحق» (قیس الخزعلی) که وابسته به «فراکسیون الفتح» (هادی العامری) است، با انتخاب الزرفی به عنوان نخست وزیر جدید مخالفت کرده و او را مخالف گروه های اسلامی و الحشد الشعبی معرفی کرده اند. «حسن آلی» از نمایندگان اتحادیه میهنی کردستان در پارلمان عراق گفت سهم کردها در دولت عدنان الزرفی نخست وزیر مکلف چهار وزارتخانه خواهد بود.

در عین حال «ائتلاف سائرون» (مقتدا صدر) بعد از ناکامی کمیته هفت نفره، اختیار تعیین و معرفی نخست وزیر جدید را به برهم صالح رئیس جمهوری واگذار کرده است.

الزرفی روز هشتم مارس در صفحه شخصی خود در فیس بوک نوشته بود؛ «دولت عراق با چهار چالش خطرناک روبروست. الزرفی نوشته بود از مهمترین چالشهای پیش روی دولت، اعتراضاتی است که از پنج ماه پیش آغاز شده است و تحقق خواسته های معترضان و برگزاری انتخابات. بحران مالی، کاهش بهای نفت و کمبود منابع غیرنفتی

(درآمدهای غیرنفتی) و گسترش بیکاری از جمله مهمترین چالشهایی است که عدنان الزرفی پیش از مأمور شدن خود برای تصدی نخست وزیری عراق به آن اشاره کرده بود. الزرفی درباره چهارمین چالش گفته بود: چهارمین چالش پیش روی دولت جدید، شیوع ویروس کرونا و حمایت از سلامت جامعه و تأمین فضای زیستی سالم و مناسب برای جلوگیری از انتشار آن در داخل کشور (عراق) است.

معرفی عدنان الزرفی روشن است که گشایشی در وضع حکومت ایجاد نکرده و نخواهد کرد. او با تعریف بحرانها و تاکیداتش نمیتواند انقلابیون و مردم معترض را راضی کند و به خانه هایشان برگرداند و نخست وزیر شود. الزرفی نمیتواند جناحهای شیعی و سنی و احزاب قومی را حول پلتفرم بحرانهایی که تعریف کرده راضی نماید و اعتماد آنها را بخرد. بحران سیاسی در عراق اساسا به رابطه هیئت حاکمه و سیستم موجود و موزائیکی در قدرت با مردم و جامعه و اعتراضات وسیع و توده ای مربوط است. مردم علیه بیکاری و گرانی و شرایط فلاکتبار اقتصادی و معیشتی و امنیتی که به آنها تحمیل شده است بپا خاسته اند. بحران سیاسی عراق پابرجا خواهد ماند تا زمانی که انقلابیون و مردم معترض در عراق امکان دخالت و شرکت در قدرت را بیابند و با دست گرفتن قدرت سیاسی به سیستم موزائیکی قومی و مذهبی پایان داده شود.

در تحلیل نهایی بحران سیاسی در عراق پابرجا خواهد ماند. هیئت حاکمه کنونی ناچارا برای دوره ای و با انتخاب مجدد عادل

پیرامون بودجه نهادهای مذهبی جمهوری اسلامی



تعبیه شده است. یعنی با این تبصره ها دست بیت رهبری و خامنه ای و نهادهای پرنفوذ اسلامی را بر افزایش درخواست بودجه های بازم بیشتر باز گذاشته است. اینجا نگاهی گذرا به این بودجه بندی این نهادها کرده و سیاست و اهداف حکومت از اختصاص بودجه به این نهاد می اندازیم. ابتدا جدول بودجه نهادی مذهبی علنی شده حکومت.

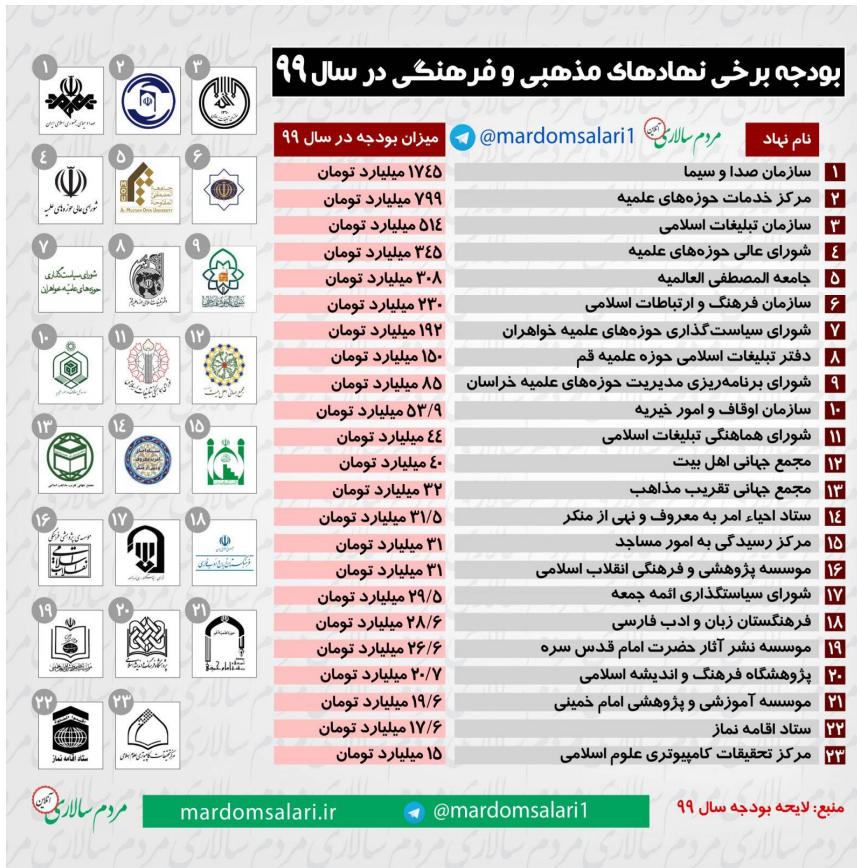
بودجه سال ۱۳۹۹ جمهوری اسلامی با تعطیلی مجلس به دلیل شیوع کرونا در دو هفته گذشته به شورای نگهبان ارجاع داده شده و شورای نگهبان با نزدیک به ۸۰ مورد "ایرادات و اصلاحات" این بودجه را تصویب و به دولت اعلام کرد. اکثر ایرادات شورای نگهبان به بخش بودجه های مربوط به نهادهای امنیتی، اطلاعاتی؛ سرکوب و اسلامی بوده است که شورای نگهبان ارقام هنگفت پیشنهادی دولت را "اصلاح" و آنها را هنگفت تر کرده است.

یک مورد نکته پر جر و بحث و اختلافات نهادهای حکومتی و دولتی، موضوع بودجه های ۲۳ نهاد مذهبی رسمی حکومت می باشد. با رفت و برگشت های اصلاحات بودجه ای مورد نظر شورای نگهبان و بودجه پیشنهادی دولت، دو طرف بر سر افزایش بین ۴ تا ۱۱ درصدی بودجه نهادهای اسلامی، توافق و آن را مصوب کرده اند. نتیجه این شد بودجه نهادهای مذهبی علنی و ثبت شده حکومت نزدیک به ۶ هزار میلیارد تومان مصوب شده است. علاوه بر این بودجه های هنگفت مجموعه ای از "اعتبارات ویژه" برای شرایط ویژه" نیز در بند مربوط به قانون بودجه بندی این نهادها

در زمینه فعالیت های فرهنگی خارج از کشور است. *در ردیف هفتم شورای سیاست گذاری حوزه های علمیه خواهران با ۱۹۲ میلیارد تومان بودجه. *در ردیفهای بعدی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۵۰ میلیارد

میلیارد تومان. *بودجه موسسه نشر آثار خمینی نیز در سال آینده ۲۶/۶ میلیارد تومان، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی نیز که مصباح یزدی رئیس آن است، حدوداً ۲۰ میلیارد تومان، بودجه تعیین شده برای ستاد اقامه

بندی حکومتی که معمولاً با فرمولبندی "تخصیص اعتبارات" و منابع تامین و غیره همراه است، این بودجه ها پول نقد در حساب های جاری این نهادها قابل برداشت و مصرف می باشد. جمهوری اسلامی حکومت جهل و خرافه و صنعت مذهب



است. بیش از چهار دهه است که کل جمهوری اسلامی با این صنعت حکومت سرکوب، اعدام و ترورش را برپا داشته است. نهادهای مذهبی یک رکن اساسی حکومت در تحمیل جهل و خرافه اسلام به عنوان شیوه و رسم حکومت کردن در این نظام ضد انسانی و کثیف بر گرده مردم ایران می باشند. تازه این ۲۳ نهادی هستند که به گفته رژیم علنی بوده و فعالیتی می کنند. آمار واقعی این نهادها و ارگانهای جاسوسی و خرافه پرانی سر به هزاران می زند. ادامه در صفحه ۸

نماز، که رئیس آن محسن قرائتی است نیز ۱۷/۶ میلیارد تومان است. در کل رقمی نزدیک به ۶ هزار میلیارد تومان بودجه مصوب این نهادها برای امسال می باشد. ابتدا یک توضیح در مورد دسترسی به پول و بودجه این نهادهای مذهبی لازم است داده شود. رقم اعلام شده برای این نهادهای حکومتی نه اعتبار اختصاص داده شده، نه تلاش برای ایجاد منابع تامین این بودجه این نهادها، بلکه پولهای هنگفت نقد و قابل دسترس می باشد. بر خلاف سایر موارد بودجه

تومان، شورای برنامه ریزی مدیریت حوزه های علمیه خراسان با بودجه ۸۵ میلیارد تومانی. سازمان اوقاف و امور خیریه با ۵۴ میلیارد تومان، بودجه شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مجمع جهانی اهل بیت به ترتیب ۴۴ و ۴۰ میلیارد تومان است. موسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی با ۳۱ میلیارد تومان. شورای سیاست گذاری ائمه جمعه ۲۹/۵ میلیارد تومان، بودجه فرهنگستان زبان و ادب فارسی که رئیس آن غلامعلی حداد عادل است ۲۸/۶

نقدی حساب کنید!

جمهوری کپک زده ی اسلامی حاکم بر ایران از هر نظر به افلاس رسیده است. به خاطر ترور و راه اندازی دستجات قتل و جنایت در منطقه و در بخش هایی از جهان، در انزوای سیاسی و دیپلماتیک قرار دارد. همچنین به خاطر تحریم فروش نفت و تعطیلی تولید در داخل، به ورشکستگی مفتضحانه ای رسیده است. حکومت کرونایی اسلامی در ایران، مانده است که چه خاکی بر سر خود بریزد تا از این بحران های کمرشکن خودآفریده و از فشار اعتراضات توده ای جان بدر ببرد.

حکومتی که همیشه شعار می داد زیرساخت های قوی و مستحکمی دارد و پول های زیادی خرج زیرساخت ها کرده است، در بحران ها و زلزله ها و سیل ها و خشکسالی ها معلوم می شود که با یک زمین لرزه ی چهار پنج ریشتری، روستاها و شهرها و راه ها و پل های زیادی تخریب می شوند و حکومت، در تعمیر و بازسازی و جبران خسارات در می ماند. [حکومت ددمنش برای خاصه خرجی های اعوان و انصار بیت رهبر و حوزه های دینی و مساجد و مراکز خرافه پرور و نهادهای ده- دوازده گانه ی امنیتی و اطلاعاتی اش پول دارد، فقط به مردم و بهداشت و درمان و آموزش و مسکن و راه و روستا و حاشیه های شهرها که می رسد، می گوید ندارد.

در ماه گذشته که سازمان بهداشت جهانی، صحبت از کمک های نقدی کرده بود، وزیر بهداشت و وزیر امور خارجه و رییس کل بانک

مرکزی، همصدا و هماهنگ دست هایشان را دراز کردند و رقمی در حدود ۵۰ میلیون دلار درخواست کردند!

اما کمک های غیرنقدی را پس می زنند، حتی در اخبار جهانی آمده بود که کمک های فرانسه را به لبنان و عراق منتقل کرده اند و یا توسط برادران قاچاقچی در بازار سیاه فروخته اند. اخیرا هم گروه اعزامی پزشکان بدون مرز را اخراج کرده اند. سران معاملاتچی حکومت از پول نقد خیلی خوششان می آید، چون که مدتی است به گروه های تروریستی زیر فرمانشان موجب نداده اند. می گویند نقد حساب کنید. کمک های غیرنقدی نمی پذیریم!

خامنه ای و دارو دسته ی تبهکارش کاروان تجهیزاتی و امدادی پزشکان بدون مرز را اخراج می کنند و پول نقد می خواهند!*

از صفحه ۶

مهمترین رویدادهای سیاسی در عراق

کنونی ناچارا برای دوره ای و با انتخاب مجدد عادل عبدالمهدی یا الزرافی و یا فردی از کاندیداهای ائتلاف شیعی، تا دوره ای یکساله و برگزاری انتخابات زود هنگام تن خواهد داد. مهم این است که حضور گسترده تر انقلابیون در میدانهای تحریر و شهرهای بزرگ (بغداد، نصر، بصره، نجف و کربلا...) و غلبه آنها بر بحران کرونا محکمتر و سازمانیافته تر خود را برای دوره نوینی و ابراز وجود پر قدرت تر برای کسب قدرت سیاسی آماده کند.*

از صفحه ۷

پیرامون بودجه نهادهای مذهبی جمهوری اسلامی

کناقات و گندیدگی و اقدامات و فعالیتهای ضد انسانی این نهادها بیش از همیشه برای مردم برملا شده است. نمونه «جامعه المصطفی العالمیه» با ۳۰۸

نموده و بدین ترتیب خود عامل شیوع و گسترش کرونا شدند. صدها آخوند و طلبه را راهی شهرهای مختلف و اخیرا راهی بیمارستانها کرده تا با دعا و اسفند دود کردن و "داروی امام صادق"، روغن بنفشه و خزعبلاتی این چنینی با کرونا مبارزه بکنند. در کنار اینها نباید صدا و سیمای رژیم را فراموش



کرد. این ارگان رژیم رسماً با دریافت ۱۷۴۵ میلیارد تومان بودجه در ردیف اول دریافت کنندگان بودجه نهادهای مذهبی قرار گرفته است. نقش و وظیفه این نهاد گسترش سانسور، تولید فرهنگ جهل و خرافه مذهبی، فعالیت رسمی و علنی علیه علم و آگاهی می باشد. پرنفوذ ترین نهاد رژیم در شکل دادن به افکار عمومی در جامعه می باشد که مدام مشغول فعالیت علیه یک جامعه ۸۰ میلیونی می باشد. نهادهای مذهبی دیگر ساعت ها برنامه رایگان و تریبون برای گسترش

میلیارد تومان بودجه یکی از بزرگترین این نهادها می باشد که رسماً کارش تبلیغ اسلام شیعی و گسترش آن در خارج از مرزهای ایران می باشد. هزاران طلبه چینی و غیر چینی را در طول همین مدت با هزینه های نجومی به قم و سایر شهرهای مذهبی آورده و رسماً کرونا را از این طریق وارد کردند و گسترش دادند. به اعتراف خود حوزه های علمیه رژیم رقمی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار نفر تعداد این مفت خوران و ناقلان بیماری کرونا می باشد.

یا نمونه حوزه علمیه قم. در شرایطی که کرونا روز به روز در کشور گسترش می یابد و حکومت عملاً کاری برای پیشگیری از آن در دستور ندارد، رسماً به مردم در اینبار دروغ می گوید. این جانوران وحشی با هر گونه بستن اماکن مذهبی که عامل شیوع کرونا هستند مخالفت

خزعبلات مذهبی شان را از این نهاد در اختیار گرفته و افکار عمومی مردم را مسموم می کنند.

جمهوری اسلامی اساساً با اتکا به نهادهای اینچینی درکنار گسترش سرکوب و دستگیری و زندان در چهارده گذشته بر کار مانده است. به عبارت دیگر این نهاد ها پایه های و ستونهای حکومت در جامعه می باشند. تغذیه مالی بی دریغ این نهادها توسط حکومت، بازگذاشتن دست این باندها در تعرض به مردم و زندگی هایشان در همه ابعاد، یک سیاست همیشگی جمهوری اسلامی و تلاش و تقلاهایش برای اسلامیزه کردن جامعه بوده که در عین حال به اعتراف حکومتیان عملاً شکست خورده و کسی برای ترهات و چرندیات این باندها تره خورد نمی کند. مورد کرونا به خوبی نشان داد که این نهادها کجا ایستاده و مشغول چه کاری می باشند.

هرچه جمهوری اسلامی نهادهای خرافه پراکنش را گسترش می دهد، مردم بیشتر از اسلام و حکومت اسلامی دور میشوند. فضای جامعه ایران فضای سرنگونی است و دیر نخواهد بود روزی که انقلاب عظیم مردم کل این حکومت و نهادها و ارگانهایش را در زباله دان تاریخ دفن کند و جامعه ای مدرن و آزاد و مرفه و برابر را پایه ریزی نماید.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

www.anternasional.com

از صفحه ۴

سرنوشت مشترک دو

ویروس

مراکز مذهبی که قرار بود "دارالشفای" باشند در شان یکی پس از دیگری تخته شد و "سنگر نماز جمعه" هم که همواره از منبرهایش شعار مرگ بر این و آن سر داده می شد درهراس از مرگ تعطیل شد. استفاده از الکل برای ضد عفونی کردن مراکز مذهبی "حلال" اعلام شد و نام محمد بن ذکریای رازی بیشتر از هر "پیامبر" دیگری بر سر زبانها افتاد. مردم به جای اینکه از کشیش یا خاخام و یا شیخ تجلیل کنند از پزشکان و کادر درمانی در کشورهای مختلف قدردانی کردند که به کمک علم در حال جنگ با این بیماری مرگبار هستند. در واقع دعا و ثنا حتی نتوانست متولیان دین را از خطر مرگ بر اثر کرونا نجات دهد.

شیوع این بیماری در ایران که مردمش پیش از این هم از هر چه دین و دخالت مذهب در زندگی شان است بیزار بودند، باعث خشم بیشتر علیه حکومت دینی شد. بخصوص اینکه کرونا از شهر مذهبی قم سرایت کرد و حکومت اسلامی هم با توسل به همان تلقیات خرافی و منافع سیاسی دیگرش اقدام به قرنطینه این شهر نکرد. محمد سعیدی نماینده خامنه ای در قم، در دفاع از قرنطینه نکردن قم و اماکن دینی در تاریخ ۸ اسفند ۹۸ گفت "ما این حرم مقدس را دارالشفای می دانیم. دارالشفای یعنی مردم بیابند اینجا از امراض روحی و جسمی شفا بگیرند. بنابراین اینجا باید باز باشد. مردم باید با قوت بیابند." خامنه ای هم از مردم خواست که با خواندن "دعای هفتم صحیفه‌ی سجاده" کلک کرونا را بکنند.

بعد از این شاهد بودیم که چطور افراد همان شبکه طب اسلامی خامنه ای نمایشات



نفرت انگیز حرم لیبی و حرم مالی و حرم بوسی را به راه انداختند و با این اقدامات شنیع سلامت کل جامعه را بیشتر به خطر انداختند. اما این اقدامات هم دیری نپایید که با خشم و غضب و در عین حال تمسخر مردم روبرو شد و حتی حکومت هم خود را مجبور دید که در مقابل آنها واکنش نشان دهد.

آنچه ما در این دوره دیدیم تنها جنگ میان علم و تلقیات دینی در برخورد به یک بیماری خطرناک مسری نبود. درست است که دین با اعتقاد به اراده موجودی فوق بشری یعنی "خدا" تمام مصائب بشری را ناشی از "مشیت الهی" می داند و از این رو برای نجات از سختی ها به درگاه این خدا پناه می برد و مناسبات ستمگرانه موجود را توجیه می کند اما امروز مسئله بر سر این است که دین علاوه بر همه خواصی که برای تظہیر حاکمیت استعمارگران و ستمگران دارد وسیله ای برای سرکوب و آدمکشی است. مردم ایران معنای واقعی این حقیقت را بیش از هر کس دیگری تجربه کرده اند. حکومت دینی ایران قبل از کرونا نیز مظهر مرگ و نیستی و حاکمیت جنایت و خون بوده است: چه آن عده بسیاری که به دلیل اعتقاداتشان به باور دیگری توسط این حکومت به قتل رسیدند، چه آن کسانی که به

ما در دورانی زندگی می کنیم که معنای واقعی دین و تلقیات مذهبی را در ابقا حاکمیت مشتی مفتخور و قلدر به وضوح می بینیم. این بیماری همه گیر نقش مخرب و ویرانگر مذهب را بار دیگر به همه ما گوشزد کرد. جامعه جهانی و ایران نیز بطور قطع با پشت سر گذاردن بحران کرونا با آمادگی بیشتری برای جارو کردن بساط صنعت مافیایی مذهب و قدم گذاشتن به یک دنیای بی مذهب با مناسباتی عادلانه و انسانی خیز برخواید داشت. از هم اکنون پیداست که کرونا و مذهب در مسیر پیشرفت و ترقی جامعه بشری به سرنوشت مشترکی دچار خواهند شد. هر دو شکست خواهند خورد. همانطور که انسان به کمک دارو و درمان خود را در مقابل ویروسها واکسینه خواهد کرد، جامعه بشری نیز با خشکاندن ریشه مصائب انسانها یعنی مناسبات مبتنی بر سودجویی و استثمار، انسانیت را از خود فریبی مذهبی بی نیاز خواهد کرد.*

از صفحه ۵

کرونا و گفتمان حق معیشت و حقوق شهروندی

بیشتر فراهم میشود. گوشها برای شنیدن ایده های انسانی و برابری طلبانه و سوسیالیستی بازتر میشود. صدای مردم محروم بیشتر شنیده میشود. بی عدالتی ها و نابرابریها بیشتر مورد تعرض قرار میگیرد. رهبران جنبشهای چپ و انسانی امکان بیشتری می یابند که جامعه را با سیاستهای روشن رو به آینده مجهز کنند و همبستگی و اتحاد محکمتری را میان بخشهای مختلف کارگران و

مردم محروم ایجاد نمایند. اما جریانات دیگر نیز بیکار نخواهند نشست و تلاش میکنند جامعه را با عقاید و نظرات و سیاستهای خود اشباع کنند. اما شیب اوضاع به نفع چپ و انسانگرایی و برابری طلبی است. و بشرطی که ما خوب کار کنیم میتوان امیدوار بود که مدافعان سیستم حاکم یک گام جدی عقب رانده شوند.

کرونا یک بیماری است. اما امروز همه کس بوضوح می بیند که این سیستم سرمایه داری است که با سوق دادن ثروتها و ظرفیتهای اجتماعی به سمت سود اندوزی، نه فقط کار جدی ای برای مقابله با امراض و بیماریها حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری صورت نداده، بلکه ظرفیتهای و امکانات نابودی زندگی بشر را با سلاحهای عظیم کشتار جمعی و دفاع از نهادها و دیکتاتوریهایی سرکوبگر صد چندان کرده است. تناقض سرمایه داری با زندگی اجتماعی بوضوح خود را جلوی چشم همه مردم گذاشته است و صد برابر قبل این صداها امروز به گوش میرسد. در یک کلام دوره جدیدی در حال شکل گیری است. دوره ای که ارزشهای حاکم و نظم موجود وسیعا به چالش کشیده میشود. باید برای این دوره آماده بود و کاری کرد که نتیجه فوران اجتماعی و چالش سیستم حاکم، جلو آمدن گفتمان های پیشرو و ارزشهای انسانی و نهایتا یک سیستم و جامعه انسانی و برابر و مرفه باشد. اگر این بحث بتواند تلاش گسترده تری در این جهت را دامن بزند و هشدار و متشاء هوشیاری بیشتری در این جهت باشد، به هدف خود رسیده است.

۲۶ مارس ۲۰۲۰

اطلاعیه شماره ۶

شیوع کرونا و جان زندانیان سیاسی

#جان_زندانیان_در_خطر
است#کرونا_زندان

عدم مرخصی و آزادی زندانیان مصداق قتل عمد دولتی است!

جمهوری اسلامی با معانعت عامدانه از مرخصی و آزادی زندانیان سیاسی عملاً آنها را با خطر جانی ابتلا به ویروس کرونا مواجه کرده است. زندانیان امنیت جانی ندارند و قوه قضائیه بعنوان مسئول مستقیم این موضوع، اقدام عملی برای مصون نگهداشتن زندانیان از مبتلا شدن به ویروس کرونا انجام نمی دهد. در مقابل این بی توجهی عامدانه، شورش زندانیان علیه عدم امنیت جانی خود، از زندانی به زندان دیگر گسترش می یابد. پس از

اعتراض و شورش در زندان های خرم آباد و الیگودرز، ۸۰۰ نفر از زندانیان بندهای ۷ و ۹ در زندان مرکزی تبریز روز چهارشنبه ۶ فروردین از تحویل گرفتن غذا خودداری کردند و دست به اعتصاب زدند. از ظهر امروز پنجشنبه هفتم فروردین، گارد ضد شورش با شلیک گاز اشک آور به داخل بند یورش برد. سپس وحشیانه با شلیک مستقیم شماری از زندانیان بی دفاع را مجروح و زخمی کرد. تا کنون طی آمار غیر رسمی که از طرف مسئولین تأیید و تکذیب نشده است یک نفر از زندانیان جان باخته است. زندانیان با آتش زدن پتو و برخی وسایل سعی در خنثی کردن حمله گارد ضد شورش زندان کردند.

شمار زندانیان مشکوک و تأیید شده مبتلا به ویروس کرونا در زندان های کشور بصورت چشم گیری رو به افزایش است. طی روزهای

اخیر دو زندانی مبتلا به ویروس کرونا در زندان قرچک و رامین به دلیل عدم رسیدگی

است که بدون امکانات درمانی و بهداشتی، در زندانها محبوس شده اند. در این



پزشکی جان باختند. یک زندانی در زندان ارومیه نیز روز چهارشنبه ۶ فروردین ماه با علائم مشکوک به بیماری کرونا جان خود را از دست داد. وضع در زندان قشاقویه نیز بسیار وخیم است.

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان همه زندانیانی

شرایط امنیت جانی زندانیان سیاسی بیشتر از هر وقت دیگر در خطر است. قطع شدن ملاقاتها و عدم دسترسی به زندانیان سیاسی و پنهان کردن آنها از چشم جامعه بر نگرانی و اضطراب خانواده های آنان افزوده است. علیرغم آزار و اذیت و محدودیت های

رفتار حکومت اسلامی نمونه بارز جنایت علیه زندانیان سیاسی است!

همچنانکه اطلاع دارید با شیوع وسیع و گسترده بیماری کرونا در ایران جان زندانیان علی العموم و زندانیان سیاسی نیز در معرض خطر جدی است. جمهوری اسلامی ادعا کرده است که حدود ۷۰ هزار زندانی را با محکومیت کمتر از پنج سال از زندان آزاد کرده است. در این میان شمار کمی از زندانیان سیاسی هم به مرخصی آمده اند ولی هنوز شمار بسیار بزرگتری از زندانیان سیاسی با وجود وضع جسمی نامناسب در زندان بسر می برند. این در حالیست که اخیراً نیروهای سپاه پاسداران ۱۵۰ نفر را با اتهام

«انتشار شایعات مرتبط با ویروس کرونا» شناسایی و آنها را مورد آزار و اذیت قرار داده اند. همچنین در همین ایام که کرونا در زندانهای ایران شیوع یافته است سه نویسنده و از اعضای کانون نویسندگان ایران بنامهای رضا خندان (مهابادی)، بکناش آبتین و کیوان باژن به تاریخ ۱۰ مارس ۲۰۲۰ برای اجرای حکم زندان به شعبه یک اجرای احکام دادسرای شهید مقدسی فراخوانده شدند.

همچنین در شرایطی که به دلیل شیوع گسترده ویروس کرونا، همه باید قرنطینه شده و در خانه ها بمانند، ۲۶ شهروند بهایی برای گرفتن آخرین دفاع، به دادگاه انقلاب فرارخوانده شده اند. به آنها هفت روز مهلت داده شده است تا خودشان را به دادگاه

معرفی کنند. لازم است به اطلاع برسانیم که جعفر عظیم زاده، دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران، علیرغم مشکلات جدی قلبی و گوارشی و فشار خون از مرخصی برخوردار نشده است. مجید (آران) تیباش، زندانی سیاسی محبوس در زندان ارومیه که به منظور تکمیل روند درمان خود درخواست مرخصی استعلاجی داده بود، کماکان از اعزام به مرخصی محروم مانده است. رئیس جنایتکار قوه قضائیه با مرخصی آتنا دائمی فعال حقوق زنان و فعال علیه اعدام مخالفت کرده است. گفتنی است طی روزهای گذشته یاسمن آریانی، صبا کردافشاری، آتنا دائمی و نازنین زاغری، چهار تن از زندانیان سیاسی

محبوس در بند زندان اوین با علائمی مشابه سرماخوردگی بیمار شده اند. شماری از زنان زندانی سیاسی در زندان قرچک و رامین نیز علیرغم واجد شرایط بودن با درخواست اعزام آنها به مرخصی مخالفت شده است. از جمله گلرخ ابراهیمی ایرانی، رها احمدی، لیلیا (خدیجه) میرغفاری، مرجان داوری، مریم ابراهیم وند، مریم علی شاهی، میژگان اسکندری، سمیرا هادیان، گیتا حر، مریم گاوشاهیان و زهره سرو. صدها زندانی سیاسی در ایران واجد شرایط استفاده از مرخصی متأثر از انتشار ویروس هستند ولی تاکنون از زندان آزاد نشده اند.

نفس وجود زندانی سیاسی نشاندهنده نقض حقوق و

مداوم خانواده ها توسط قوه قضائیه و دستگاه های امنیتی، اما خانواده های زندانیان سیاسی شجاعانه در افشای حقایق تکان دهنده از وضعیت زندانها، سبب شده اند موجی از حمایت های وسیع در جامعه شکل بگیرد.

ما از همه مردم آزادیخواه و مبارز و همه نهادهای بین المللی مدافع حقوق زندانیان سیاسی مصراانه می خواهیم که حکومت اسلامی ایران را نسبت به وضعیت زندانها و بویژه زندانهای سیاسی در سراسر کشور تحت فشار بگذارند. هیچ زندانی در شرایطی که گسترش ویروس کرونا در زندانها قربانی می گیرد نباید در حبس باشد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۷ فروردین ۱۳۹۹ - ۲۶
مارس ۲۰۲۰

آزادی های سیاسی و مدنی در یک جامعه است. از همین رو ما خواستار آزادی کلیه زندانیان سیاسی بدون هیچ شرطی هستیم. ولی با توجه با اخبار خطرناک شیوع کرونا در زندانهای ایران ما خواهان این هستیم که همه زندانیان سیاسی برای حفظ سلامتشان فوراً از زندان آزاد شوند و یا به تمامی آنها مرخصی تعلق گیرد.

مینا احدی - از طرف ستاد مبارزه با بحران کرونا در ایران که از طرف جمعی از فعالین سیاسی و اجتماعی در خارج کشور برای کمک به مردم ایران تشکیل شده است.

۱۶ مارس ۲۰۲۰

جمهوری اسلامی مانع فعالیت پزشکان بدون مرز شد

جهان باید اعتراض کند!

باورتان میشود؟ در اوضاعی که کرونا در ایران بیداد میکند، جمهوری اسلامی مانع فعالیت "پزشکان بی مرز" در ایران شده و اجازه نداده است بیمارستانی در اصفهان برپا کنند. جمهوری اسلامی گفته که چون ما بسیج و ارتش خودمان را داریم دیگر نیازی به کمک پزشکان بدون مرز نداریم!

رژیمی که خود با ادامه پروازها به چین عامل اصلی شیوع کرونا در ایران بوده است، رژیمی که دائم اخبار دروغ تحویل مردم میدهد و کسانی که اطلاعات صحیح را منتشر کرده اند بازداشت کرده، رژیمی که کرونا را توطئه آمریکا و همکاری "انس و جن" علیه خود میداند، رژیمی که از همیاری مردم علیه کرونا وحشت دارد و مانع آنها میشود و در عوض سپاه و بسیج اش را با لباس های ایزوله در شهرها میچرخاند تا مردم را بترساند، این رژیم طبعاً از فعالیت های پزشکان بدون مرز در ایران میترسد.

این عمل جمهوری اسلامی بروشنی نشان میدهد که این رژیم خود همدست کروناست و جز به بقاء خود به هر قیمت به چیز دیگری اهمیت نمی دهد. ما اقدام جمهوری اسلامی در مورد متوقف کردن فعالیت پزشکان بدون مرز در اصفهان را بشدت محکوم میکنیم. تمام دنیا باید این رفتار جمهوری اسلامی را محکوم کند. افکار عمومی دنیا این عمل جمهوری اسلامی را باید نوعی جنایت علیه بشریت قلمداد

کند و به کمک مردم ایران بشتابد!

ستاد مقابله با کرونا در
ایران

۲۵ مارس ۲۰۲۰

لینک کانال این ستاد
https://t.me/Iran_Corona_2020
پی پل برای کمکهای مالی
[https://www.paypal.me/stopcorona?](https://www.paypal.me/stopcorona?locale.x=sv_SE)
locale.x=sv_SE

سیل در ۱۵ استان: بلای اصلی جمهوری اسلامی است!

این روزها در کنار بیماری کرونا که چند هزار نفر را قربانی گرفته، جریان سیل در چندین استان نیز به فاجعه ای برای مردم محروم این مناطق تبدیل شده است. تاکنون شمار بسیاری از مردم بی خانمان شده اند و دهها نفر نیز جان باخته اند. ظاهراً کرونا یک بیماری ویروسی است و سیل نیز یک بلای طبیعی است. اما این ظاهر مساله است. همه مردم به چشم می بینند که عامل کشتار مردم با سیل و زلزله و بیماریها یک سیستم ضد انسانی است که نان شب کارگران را در آن میدزدند. درمان و دارو را به منبع ثروت اندوزی و مفتخوری تبدیل کرده اند. کودکان را به جای رفتن به مدرسه و درس و شادی، به کودک کار تبدیل کرده اند. اعتیاد و تن فروشی را دامن زده اند و فقر و نداری و محرومیت را به بلای جان اکثر مردم تبدیل کرده اند. وقتی که یک هزارم ثروتهای جامعه نیز خرج حفاظت از مردم نمیشود و به سوی تروریستها و حزب الله لبنان و حوزه های خرافه پراکنی و بسیج و پاسدار و بیت رهبری

و امثال اینها روانه میشود، طبیعی است که سدها در برابر اولین سیل فرو میریزند و سیل خانه های گلی مردم را با خود جارو میکند و هر بیماری ای هزاران قربانی میگیرد.

حکومت اسلامی مسئول تامین نیازهای فوری مردم سیل زده و مسئول حفاظت از زندگی مردم است. نباید اجازه داد در این آشفته بازار و سردرگمی حاصل از بحران کرونا، سیل زدگان اخیر به فراموشی سپرده شوند. این حق سیل زدگان است که در این شرایط بحرانی از امکانات و سرپناه و شرایط زندگی انسانی برخوردار شوند. با فشار بر حکومت باید کاری کنیم که برای نجات زندگی مردم سیل زده امکانات و بودجه کافی اختصاص دهد.

کرونا و سیل در این قرن بلای طبیعی نیستند. در قرن بیست و یکم با یک هزارم بودجه ای که صرف سرکوب مردم میشود، میشد جلوی این بلایا را گرفت. سیل و کرونا را همان جانورانی به بلایی کشنده تبدیل کرده اند که عزیزان مردم را در آبان ماه به قتل رساندند و هواپیمای مسافربری را با موشک سرنگون کردند و زندانها را از عزیزان مردم پر کرده اند. این حکومت و سیستم چپاول و جنایت حاکم عامل همه بلایای طبیعی و غیر طبیعی است و برای دستیابی به حداقل ایمنی و رفاه و شادی، باید این حکومت و این سیستم را از صحنه جامعه جارو کرد.*

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!
حزب کمونیست کارگری
ایران

۲۳ مارس ۲۰۲۰ - ۴

فروردین ۱۳۹۹

بیماری کرونا - اطلاعیه شماره ۲۲ اعتراضات در زندانها گسترش می یابد.

شورش در زندان تبریز

در پی شورش در زندان های پارسیلون خرم آباد، الیگودرز و اعتراضات در زندانهای تهران بزرگ و اوین و ارومیه از دیروز ۶ فروردین زندانیان زندان مرکزی تبریز نیز به اعتراض برخاستند. روز ۶ فروردین زندانیان از تحویل غذا خودداری کردند و امروز با آتش زدن پتوهای خود

جلوگیری از فاجعه ای که زندانیان با شیوع کرونا با آن روبرو هستند، به آنها شلیک میکند. اقدام جنایتکاران جمهوری اسلامی باید مورد اعتراض نه تنها خانواده زندانیان بلکه همه مردم و کلیه نهادهای بین المللی قرار گیرد. کرونا در زندانها شروع به شیوع پیدا کرده و طبق خبری که امروز به ما رسیده دو نفر در زندان اصفهان بدلیل ابتلا به کرونا جانشان را از دست داده اند. حزب کمونیست کارگری حکومت آدمکشان و مفتخوران اسلامی را شدیداً محکوم میکند و کلیه خانواده ها، تشکلهای مردمی



اعتراضات در زندانها گسترش می یابد
شورش در زندان تبریز

و کلیه مردم آزادیخواه را به اعتراض علیه جنایت حکومت فرامیخواند. قبل از اینکه شیوع کرونا در زندانها به فاجعه تبدیل شود باید در زندانها باز شود و کلیه زندانیان از زندانها مرخص شوند.*

حزب کمونیست کارگری
ایران

۷ فروردین ۱۳۹۹، ۲۶

مارس ۲۰۲۰ ک

کمک های مالی رسیده!

عبه سید مرادی 50 یورو
مهین علیپور 500 کرون
جلیل جلیلی 100 پوند

دست به شورش زدند. گارد زندان در مقابل زندانیان بی دفاعی که خواست مشروعی دارند دست به جنایت دیگری زد و مستقیماً به زندانیان شلیک کرد و تعدادی را مجروح کرد. زندانیان به ادامه بازداشت خود بویژه با توجه به شیوع کرونا اعتراض دارند. گفته میشود که حدود ۸۰۰ زندانی در بندهای ۷ و ۹ زندان مرکزی تبریز نگهداری میشوند. طبق گزارش شبکه حقوق بشر کردستان حداقل ۷ نفر از زندانیان در اثر این حمله وحشیانه مجروح شده اند.

جمهوری اسلامی حکومت جنایت و آدمکشی است. بجای آزادی زندانیان و

از صفحه ۲

آزاد نکردن زندانیان یک جنایت است

و نهادهای انساندوست در سراسر جهان این صداها را در سطح جهانی با واکنش‌های اعتراضی خوبی روبرو کرده است. از جمله عفو بین‌الملل، شورای اتحادیه‌های کارگری جهانی، و دو اتحادیه شورای اتحادیه‌های کارگری در کانادا و اتحادیه کارگران خدمات دولتی در کانادا طی بیانیه‌هایی نگرانی خود را از فاجعه کرونا در زندانها اعلام کرده اند.

چنین ابعاد گسترده‌ای از کارزارهای مبارزاتی در سطح بخش‌های مختلف جامعه و خانواده‌ها و در زندانها حاکی از حرکتی اجتماعی برای آزادی زندانیان و نجات جان آنها از بیماری کشنده کرونا

است. اما واقعیت اینست گفتمان‌های این اعتراضات بسیار فراتر رفته است. از جمله در این اعتراضات دو گفتمان مهم جاری است. یکی از این گفتمانها بی‌اعتبار بودن احکام صادره از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی این ماشین سرکوب و جنایت رژیم اسلامی و بر اساس قوانین ارتجاعی مجازات‌های اسلامی است. جامعه میدانند که بسیاری از کسانی که همین امروز تحت عنوان "زندانیان عادی" در بازداشت بسر می‌برند، جرمی مرتکب نشده‌اند و تنها جرمشان زیر پا گذاشتن قوانین اسلامی است. بعلاوه آن بخشی که هم که جرم و خلافی مرتکب شده‌اند، مرجع رسیدگی به خلاف و جرم آنان جمهوری اسلامی که اساسش بر جنایت و چپاول و دزدی و رانت خواری گذاشته شده

نیست و نمیتواند باشد. مردم میدانند قوانین مجازاتهای اسلامی، قوانین بربریت است و با هیچ معیار حقوقی و عادلانه انسانی و امروزی خوانایی ندارد. جانباختن سران خود این حکومت هستند که بیش از ۴۰ سال است جنایت میکنند و کشتار آبانماه را به راه انداختند و با زدن موشک به هواپیمای مسافربری اکرابی ۱۷۶ نفر را به قتل رساندند. از همین رو همراه با جنبش برای آزادی زندانیان جنبش دادخواهی نیز با قدرت در میدان است و خواست محوری امروز مردم محاکمه سران این رژیم به دلیل تمام جنایاتش است. گفتمان دیگر مقوله زندانی سیاسی است. در جمهوری اسلامی اعتراض برای معیشت و زندگی، جرم است و کارگری که حق و حقوقشان را طلب میکند، معلمی که از

تحصیل رایگان سخن میگوید، زانی که به بساط آپارتاید جنسی حکومت اعتراض دارند و حجاب را بر سر چوب میکنند، فعالینی که علیه تخریب محیط زیست به پا خاسته و آنرا بخشی از چپاولگری سرمایه‌داری حاکم میدانند، همه و همه مجرمند و اعتراضشان اقدام علیه "امنیت کشور و امنیت ملی" است. از همین رو این جانباختن منکر وجود زندانی سیاسی در زندانها هستند و همواره از آنها تحت عناوین "امنیتی، عقیدتی" نام برده‌اند. اما جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و آزادی‌های پایه‌ای سیاسی در سطح جامعه در این زمینه نیز رژیم را وادار به عقب نشینی کرده و واژه‌هایشان را عوض کرده‌اند. از جمله در همین روزهای اخیر در جریان انتشار خبر آزادی شماری از زندانیان، رسانه

عصر ایران از اینکه زندانیان امنیتی همان زندانیان سیاسی هستند، سخن میگوید. امروز یک خواست مهم جامعه آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و تاکید بر آزادی بیان، آزادی تشکل، آزادی اعتصاب، آزادی تحزب است. با این گفتمان این جنبش دادخواهی است که قدرتمند تر از هر وقت به جلو آمده است. و این اعتراض بخش مهمی از جنبش سرنگونی مردم برای رها شدن از کل بساط سرکوب و جنایت این حکومت است. برای در نجات جان زندانیان وسیعا به این کارزارها بپیوندیم. با فریاد شعار زندانیان آزاد باید گردند، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، و برای نجات جان زندانیان به میدان آییم.*

آدرس‌های تماس با حزب کمونیست کارگری



سایت حزب: www.wpiran.org

واتس اپ: + ۴۴ ۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @wpi_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran

برای ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب میتوانید
با آدرس‌های بالا تماس بگیرید!

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس: 11766

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: 27500

اف ای سی: 5/6